

سُورَةُ الْبَقَرَةِ مَدِّيْنَةُ وَهِيَ مِائَتَانِ وَسِتَّ وَ ثَمَانُونَ أَيَّهَا وَأَرْبَعُونَ رُكُوْعًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به اسم الله رحمان رحيم

اللَّهُمَّ ذِلِّكَ الْكِتَبُ لَا يَرِيبُ فِيهِ حَدَّى

الـَّمَّ^۱* اینست کتابیکه شک درآن هدایت است

۱) آلم از حروف مقطعات است مانند الـَّ، طـَه، يـَس، حـَم. با این "القاب" رسول کریم ﷺ مخاطب شد. طرز خطاب در سوره طلاق و تحریم "یا یهالنـبـی" در سوره ۷۳ "یا یهالمـزـمل" در سوره ۷۴ "یا یهالمـدـثـر". سوره الاخلاص وغیره با "قل" آغاز میشود.

**لِمَتْقِينَ ۝ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ
لَا يَرْجِعُونَ ۝**

* بر غیب^۱ و دارند ایمان آنانکه * برای متقین

وَلَا يَرْجِعُونَ الصَّلَاةَ وَمَا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِعُونَ ۝

* میدارند قائم صلات را و از آنچه رزق دهیم آنها را میدهند نفقه

۱) به حق ایمان دارند ! راه حق را گرفته برآن توکل میکنند. از سحر، جادو، خرافات و موهمات بیزار اند. (متقین: پرهیز گاران)

وَالَّذِينَ يَعْمَلُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا

و آنانکه دارند ایمان شده نازل بر تو و آنچه

أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْآخِرَةُ هُمْ بِمَا يَعْمَلُونَ^٤

* شده نازل از قبل تو و بر آخرت اند دارای یقین.

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّنْ رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ٥

آنها اند بر هدایت رب خود و آنها اند فلاح یابندگان * یقیناً آنانکه

كَفَرُوا وَاسْوَاءٌ عَلَيْهِمْ رَءَانُذْ رُتْهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ٤

کافرند سواء^۱ است برآنها گر اخطار دهی آنها را یا ندهی اخطار آنها را نمیآرند ایمان^{*} مهر نهاده

اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاةٌ وَلَهُمْ

الله بر قلبها آنها و بر شنوای آنها و بر چشمها آنهاست غشاء^۲ و برای آنهاست

۱) سواء: برابر، یکسان، علی سویه. ۲) غشاء: پرده.

عَذَابٌ عَظِيمٌ وَمَنَّ النَّاسُ مَنْ يَقُولُ أَمْتَأْلِي لِلَّهِ وَبِالْيَوْمِ

عذاب عظيم * و از مردم بعضی میگویند داریم ایمان بر الله و یوم

الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ^٧ يَخْدِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا

آخرت و نیستند از مؤمنان. * تادهن خدع^١ به الله و کسان مؤمن را. ونمی

يَخْدِعُونَ إِلَّا أَنفُسُهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ^٨ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

دهند خدع إلا بنفسهای خود و ندارند شعور * در قلبها آنهاست مرض

١) خدع: فریب.

فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرْضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَلَمْ يَأْكُنْ بُونٌ^{١٠}

* میافزاید به آنها الله مرضی. و برای آنهاست عذاب الیم از آنکه میکردند کذب

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُ وَا فِي الْأَرْضِ لَا كُوْلُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ^{١١}

* و اگر گفته شود به آنها نکنید فساد در زمین میگویند ما هستیم مصلحت جو

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ^{١٢} وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ

خبردار! اینها اند مفسدان و لakan ندارند شعور * و اگر گفته شود به آنها

أَمْنُوا كَمَا أَمْنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤُمُ مِنْ كَمَا أَمْنَ السُّفَهَاءُ لَا إِنْهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ^{١٣} وَإِذَا قَوَى الَّذِينَ أَمْنُوا قَالُوا أَمْنَاهُمْ

ایمان آرید مثلیکه ایمان آوردند مردم، گویند آیا ایمان آوریم مثل ایمان سفهاء.^۱ خبردار! اینها

هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ^{١٤} وَإِذَا قَوَى الَّذِينَ أَمْنُوا قَالُوا أَمْنَاهُ

هستند سفهاء ولاکن ندارند علم * وچون ملاقی شوند آبه مؤمنان گویند ایمان داریم

وَإِذَا أَخْلَوُ إِلَيْهِ شَيْطَانِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسَتَّهِزِئُونَ^{١٥}

وو قتی خلوت نزد شیاطین خود گویند مائیم با شما فقط ما میکردیم استهزاء *

۱) سفهاء: بی خردان. ۲) ملاقی میشوند: ملاقات میکنند.

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمْلُّ هُمْ فِي طُغْيَا نِهَمْ يَعْمَلُونَ^{١٥} اولیاک

الله کند استهزاء برآنها ودهد تمدید آنها در طغيان آنها به سرسامی * آنها اند

الَّذِينَ اشْتَرَوُ الْضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحُتُ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا

کسانیکه خریده اند ضلالت^١ را بجای هدایت پس نمیکند مفاد تجارت آنها و نمیشوند

وَمُهْتَدِينَ^{١٦} مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاعَتْ

هدایت * مثال آنهاست بمثل آنکه برپا کند آتشی را. وقتی کند روشنائی

(۱) ضلالت: گمراهی

مَاحُلَةً ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلْمَاتٍ لَا يُبَصِّرُونَ^(١٧)

* ماحول او، میبرد الله نور آنها را و ترک میکند آنها را در ظلمات بی بصیرت

صُمُّوكَمْعُمُّ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ^(١٨) أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ

* کر، گنگ، کور و آنها را نباشد رجعت يا مانند ابر پربار از آسمان،

فِيهِ ظُلْمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي أَذَافِنِهِمْ

در آن است ظلمات و رعد و برق. می نهند انگشتان خود را در گوش های خود

٩٦ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتٍ وَاللَّهُ هُجِيبٌ بِالْكُفَّارِينَ

* از صاعقه ها بخوف موت. و الله محیط کرده کافران را

يَكَادُ الْبَرْقُ يَحْكُمُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوا

نردیک برق خطف کند^۱ بصیرت آنها را. هرگاه روشنائی کند برآنها، میروند

فِيْلَهٖ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَذْهَبَ

درآن و چون تاریک شود برآنها می ایستند. و اگر میخواست الله میبرد

(۱) خطف کند: برباید.

إِسْمَعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٤٠

* شنوائی آنهارا و بصیرت آنهارا. یقیناً الله است بر کل شیء قادر *

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ

يا اي مردم عبادت کنید رب خودرا که خلق کرده شمارا و کسان از

قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقَوْنَ ٤١ **الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا**

قبل شمارا برای اینکه با تقوا باشید * آنکه ساخت برای شما زمین را فرشی

وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاخْرَجَ بِهِ مِنَ

و سماء را بنائي و نازل کرد از سماء آب را باز خارج کرد باان از

الثَّرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا إِلَهًا أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ^{٢٣}

* ثمرات، رزقی برای شما. پس نسازید برای الله همتاها و شماکه دارید علم

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدٍ نَافِعًا وَإِسْوَرَةٍ مِنْ

و اگر هستید در شک ازانچه نازل کردیم بر عبد خود پس بیارید سوره از

مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَدِيقِينَ^{٢٣}

مثل آن و دعوت کنید شهداء خود را الله اگر هستید مردم صادق *

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا

پس اگر نه میتوانید و هرگز نمیتوانید باز بترسید از آتشیکه هیزم آن

النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ حِصْنٌ أَعْدَتُ لِلْكُفَّارِينَ^{٢٤} وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا

مردم است و احجار،^١ آماده شده برای کافران * و بشارت دهید بکسان با ایمان

١) حجر: سنگ. (الحجر الاسود. حجاری ونجاری)

وَعَمِلُوا الصَّلِحَاتِ آنَّ لَهُمْ جَنَّتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْمِلَةِ الْأَنْهَارِ

و اعمال صالح که برای آنهاست جنات، دارد جریان از تحت آن انهار.

كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ زِرْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي سَرَّا زِقَانًا

هرگاه ارزاق شوند از آن کدام ثمرة زرق، گویند اینست که بود رزق ما

مِنْ قَبْلٍ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًاتٍ وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ

از قبل و داده میشوند باان متشابه. و برای آنهاست آنجا ازواج مطهر

وَهُمْ فِيهَا خَلِدُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا

و آنها آنجا خلد میکنند * یقیناً الله نکند حیاء که بزند مثال

مَا بَعْوَضَةً فَمَا فَوْقَهَا ۚ فَآمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ

پشنه و ما فوق آن. پس اما کسان مؤمن می دانند که آنست

الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَآمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ

حق از رب آنها و اما کسان کافر می گویند چه اراده دارد الله

بِهِذَا مَثَلًا مِنْ يُضْلِلُ إِلَيْهِ كَثِيرًا وَيَهُدِي إِلَيْهِ كَثِيرًا وَمَا يُضْلِلُ

بدین مثال. کند گمراه بآن کثیررا و کند هدایت بآن کثیررا. و نمیکند گمراه

بِهِ إِلَّا الْفَسِيقِينَ ۝ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ

بان إلا فاسقین را * آنانکه می شکنند عهد الله را از بعد

مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوْصَلَ وَيَقْسِدُونَ

میثاق آن و میکنند قطع آنچه امر کرد الله برآن که کنند توصل، و میکنند فساد

فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَسِرُونَ^{٢٧} كَيْفَ تَكُفُّرُونَ بِاللَّهِ وَ

در زمین. آنها هستند خساره کاران * چطور میکنید کفر بر الله و

كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ مُّبْتَدِئُكُمْ ثُمَّ يُحْيِي كُمْ ثُمَّ إِلَيْهِمْ رَجُوعُكُمْ^{٢٨}

بودیداموات، و احیا کرد شمارا، بازدهد موت بشما بازدهد حیات بشما باز نزداو میکنید رجعت*

هُوَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَى إِلَى

اوست که خلق کرد برايشما آنچه در زمین است جمیعاً باز استواء شد^۱ بسوی

۱) استوا شد: قصد کرد، توجه کرد، روآورد.

السَّمَاءُ فَسَوَّا لِهِنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^{٢٩} وَإذْ

سماء وسواء کرد آنرا^۱ هفت سماوات. و اوست برکل شیء علیم * وقتی

قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا

گفت رب تو بملائک من میسازم در زمین خلیفه ای. گفتند

أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيُسْغِكُ الدِّيَمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّهُ

آیا میسازی آنجا آنکه کند فساد آنجا و ریزد خون را. و ما گوئیم سبح

۱) وسواء کرد آنرا: و برابر کرد آنرا، و ساخت آنرا. مگر انسان چه داند که چطور. امروز اعتراف میشود که از هیچ ساخت آنرا.

بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ^{٣٠} وَعَلَمَ

بِحمدِ تو و داریم مقدس ترا. گفت منم عالم برآنچه ندارید علم * و تعلیم داد

أَدْمَرَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلِكَةِ فَقَالَ أَنِّيْوَنِي

آدم را اسماء کل آنرا باز پیش کرد آنهارا به ملائک و گفت دهید خبر مرا

بِإِسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَدِيقِينَ^{٣١} قَالُوا سُبْحَنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا

از اسماء این اشیاء اگر هستید مردمان صادق * گفتند سبحان بتو نیست علم مارا

إِلَّا مَا عَلِمْنَا أَنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ^{٣٣} قَالَ يَا دَمْرَاجِيْهُمْ

إلا آنچه تعلیم دادی بما. یقیناً توئی العلیم الحکیم * گفت یا آدم بده خبر آنها را

بِاسْمَ إِلَيْهِمْ فَلَمَّا آتَاهُمْ بِاسْمَ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ رَأْيِيْ

از اسماء آنها. وقتی داد خبر آنها را از اسماء آنها گفت آیا نگفتم بشما من

أَعْلَمُ عَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تَبَدُّونَ وَمَا كُنْتُمْ

دارم علم برغیب سماوات و زمین و دارم علم آنچه مینمایید و آنچه میکنید

تَكُوُنَ^{٣٣} وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلِئَكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ

پنهان * وقتی گفتیم بملائک "سجده کنید برای آدم" کردند سجده إلا ابليس.

أَبِي وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكُفَّارِ^{٣٤} وَقُلْنَا يَا دَمْرًا سُكُنُ أَنْتَ

اباء ورزید و تکبر کرد و بود از جمله کافران * و گفتیم یا آدم سکونت کن تو

وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغْدًا حَيْثُ شِئْتَمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ

و زوجت بجنت و بخورید از آن غدیر طوریکه میخواهید و نشوید قریب به این

الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ فَازْلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهُمَا فَأَخْرَجَهُمَا

شجره که میگردید از مردم ظالم * لغزانید هردورا شیطان از آنجا وخارج کرد هردورا

مِنْهَا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا هُنَّا طُوَا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَلَى وَلَكُمْ فِي

از حالیکه بودند درآن و گفتیم پائین روید بعضی شما با بعضی دشمن. و برای شما در

الْأَرْضِ مُسْتَقْرٌ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ۝ فَتَلَقَّى أَدْمَرٌ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَتٍ

زمین است مستقر و متاع * بازملاقی شد آدم از رب خود با کلمات

فَتَابَ عَلَيْهِ اللَّهُ أَنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ^{٣٧} قُلْنَا أَهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا

و تواب شد براو. يقيناً اوست تواب رحيم * گفتیم بروید پائین ازاینجا جمیعاً

فَإِمَّا يَأْتِيَكُمْ مِّنْنِي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدًى أَيَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

وقتی بیاید بشما ازمن هدایتی، هر که کردمتابعت هدایت مرا نباشد خوفی برآنها

وَلَا هُمْ يَحْزُنُونَ^{٣٨} وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ

و نه آنها شوند محزون * و آنانکه کفرکنند و کذب کنند با آیات ما آنها اند اصحاب

الثَّالِثُ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ ﴿١٩﴾ يَلَيْنِي أَسْرَأَءِيلَ اذْكُرُوا نَعْمَلَتِي الَّتِي

آتش. آنها همانجا خلد کند * یا بنی اسرائیل ذکر کنید نعمت مرا که

الْعَهْدُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُؤْمِنِينَ

انعام کردم بر شما و وفا کنید بعهدم، میکنم وفا بعهد شما و از من

فَارْهُبُونِ^{٤٠} وَأَنْتُمْ أَمَّا آتَنَا لَتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُونَ أَوْلَى

رہب دارید^۱* و ایمان آرید برآنچه نازل کردم، مصدق آنچیست نزد شما و نباشید اولتر

۱) رهب: خوف، ترس، اندیشه

كَافِرُهُمْ وَلَا تَشْرُكُوا بِآيَاتِيْ ثُمَّنَا قَلِيلًا وَإِيمَانَ فَانفَوْنِ^(٤١) وَلَا تَلْبِسُوا

كافر برآن و نحرید با آیات من ثمن^١ قليل را و بمن کنید تقوا * و نکنید ملبس

الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُبُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ^(٤٢) وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ

حق را با باطل و نکنید پنهان حق را وقتی شما دارید علم * و قائم کنید صلات را

وَأَتُوا الزَّكُوَةَ وَأَرْكَعُوا مَعَ الرَّكِعَيْنَ^(٤٣) أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ

وبدهید ذکات را و رکوع کنید با رکوع کنندگان * آیا امر میکنید مردم را به نیکوئی و

١) ثمن: بها.

تَنْسُونَ أَنفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتَلُوُنَ الْكِتَبَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ^{٤٤} وَاسْتَعِدُنَا

میکنید فراموش خودرا و شمامیکنید تلاوت کتاب را. پس چرانمیکنید تعقل* واستعانت جوئید

بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخُشُعِينَ^{٤٥} الَّذِينَ

با صبر و صلات. و یقیناً اینها گران اند الا بر خشوع^۱ کنند گان * آنانکه

يَظْهُونَ أَنَّهُمْ قُلُّ قُوَّارِبِهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَجُونَ^{٤٦} يَدْرِي إِسْرَائِيلَ

میدانند آنها ملاقی میشوند رب خودرا و آنها نزد او میکنند رجعت * یا بنی اسرائیل

۱) خشوع: فروتنی، تواضع.

اذْكُرُو وَانْعِمْ تَيَ الَّتِيْ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّيْ فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ^{٤٧}

* متذکر شوید نعمت مرا که نعمت کردم برشما و من فضیلت دادم شمارا بر عالمیان *

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجِزُّنَ نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْغًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا

و تقوا کنید از روزیکه نکند نفع نفسی از نفسی چیزی و نه شود قبول ازاو

شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ^{٤٨} وَإذْ

شفاعت و نه شود گرفته ازاو عوض و نه به آنها رسد نصرت * و چون

نَجِيْنَكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ وَسُوءَ الْعَذَابِ يُلَّهِوْنَ

دادیم نجات شمارا از آل فرعون، میکردند بد بشما بدترین عذاب را، میکردند ذبح

أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيِيْنَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاغٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ

پسران شمارا و میماندند حیات نسae شمارا. و در اینست بشما آزمایشی از رب شما

عَظِيْمٌ^{٤٩} وَإِذْ فَرَقْنَا بَيْنَكُمُ الْبَحْرَ فَآتَيْنَكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ

بس عظیم * و چون فرق کردیم بشما بحر را ونجات دادیم شمارا و غرق کردیم آل فرعون را

وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ^{٥٠} وَإِذْ وَعْدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ

و شما میکردید نظاره * و چون وعده دادیم بموسى چهل شب را باز

اتَّخَذْتُمُ الْجُلَّ صِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَلَمُونَ^{٥١} ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ

اتخاذ کردید گوشه را از بعد او و شما بودید مردم ظالم * باز عفو کردیم شمارا

مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعْلَكُمْ تَشْكِرُونَ^{٥٢} وَإِذْ أَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

از بعد آن برای آنکه کنید شکر * و چون دادیم بموسى کتاب را

وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهتَدُونَ^{٥٣} وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَقُولُم

و فرقان را برای اینکه شما شوید هدایت * و چون گفت موسی بقوم خود یا قوم

إِنَّكُمْ ظَلَمَنَمْ أَنفُسَكُمْ بِإِتْخَادِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ

یقیناً شما ظلم کردید بنفسهای خود با اتخاذ گوساله پس توبه کنید نزد باری خود^۱

فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ قَتَابَ عَلَيْكُمْ

و قتل کنید نفسهای خود را. اینست خیر برای شما نزد باری شما. پس تاب کرد بر شما.

۱) باری خود: آن خدای که شمارا بارآورده.

إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ^{٥٤} وَإِذْ قُلْتُمُ يَمْوُسِي لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ

يقیناً اوست تواب رحیم * و چون گفتید یا موسی نمیاریم ایمان بتو

حَتَّىٰ تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَاخْزَنُوكُمُ الصُّعْقَةَ^{٥٥} وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

حتی بیینیم الله را جهراً^۱، کرد اخذ شمارا صاعقه و شما بودید نظاره کنندگان*

ثُمَّ يَعْتَذِنُكُمْ مِّنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^{٥٦} وَظَلَّنَا

باز بعث کردیم شمارا از بعد موت شما برای اینکه کنید شکر * و سایه کردیم

۱) جهراً: آشکارا.

عَلَيْكُمُ الْغَيْرَأَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمِنَّ وَالسَّلَوَى طَهُوا مِنْ

بر شما ابر را و نازل کردیم برشما من و سلوارا. بخورید از

طَبِيعَتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمْنَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ

پاکی هائیکه رزق دادیم بشما. و نکردند ظلم برما و لakan همواره بنفسهای خود

يَظْلِمُونَ^{٥٧} وَلَذِقْلَنَا دُخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْ مَا حَبَثُ

کردند ظلم * و چون گفتیم داخل شوید دراین قریه و بخورید از آن طوریکه

شِئْلُمُ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَدًا وَقُولُوا حِكْمَةً لَنْفُرُلَكُمْ

میخواهید غدیر و داخل شوید بدروازه سجده و گوئید ببخشا! کنیم مغفرت بشما

خَطِيكُمْ وَسَنَرِيدُ الْمُؤْمِنِينَ^{٥٨} فَيَدَلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا

خطاهای شمارا. و میکنیم از دیاد بمحسینین * مگر بدل کردند کسان ظالم سخن را

غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَانزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنْ

غیر آنچه گفته شد به آنها پس نازل کردیم بر کسان ظالم عذاب را از

السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَعْصُمُونَ^{٥٩} وَإِذْ اسْتَسْقَى مُوسَى لِرَبِّهِ

سماء چونکه همواره میکردند فسق * و چون استسقاء کرد موسی برای قوم خود

فَقُلْنَا أَضْرِبْ لِعَصَمَكَ الْجَرَطَ قَانْجَرَتْ مِنْهُ أَشْنَتْ أَعْشَرَةَ

پس گفتیم بزن با عصای خود حجر را. پس جريان کرد ازان دوازده

عَيْنَاهُ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أَنَّاسٍ مَشْرَبَاهُمْ كَلُوا وَانْشَرُبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ

چشمeh آنگاه شناختند کل مردم مشرب خودرا. بخورید و شرب کنید از رزق الله

(۱) استسقاء: طلب کردن آب. (ساقی، سقا، سقا خانه، شقايت)

وَلَا تَعْثُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ^{٤٠} وَإِذْ قُلْتُمْ يَمْوُسِي لَنْ

و نگذرید از حد در زمین بفساد کاری * و چون گفتید يا موسی نمی

نَصِيرٌ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَارَبَكَ يُخْرِجُهُ لَنَارَهُمَا تَنْهِيَتُ

توانیم صبر بر طعام واحد بکن دعا برایما به رب تاکند خارج برایما آنچه نبات

الْأَرْضُ مِنْ بَقْلَهَا وَقِثَّاهَا وَفُومَهَا وَعَدَسَهَا وَبَصَلَهَا ط

کند زمین، از بقل آن و قثاء آن و فوم آن و عدس آن و بصل آن.^۱

١) بقل: سبزیجات. قثاء: تره و بادرنگ. فوم: گندم یا سیر. عدس: برنج و جواری. بصل: پیاز.

قَالَ أَتَسْتَبِدُ لِوْنَ الدِّيْنِ هُوَ أَدْنَى بِاللَّذِيْنِ هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا

گفت آیا میکنید تبدیل آنچه هست ادا به آنچه هست بهتر؟ بروید

مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَضَرِبَتْ عَلَيْهِمُ الدِّلْلَةُ وَالْمُسْكَنَةُ

بمصر یقیناً بشماست آنچه میخواهید. و دچار شد برآنها ذلت و مسکنت

وَبَاءُو بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِاُبَيْتِ

و آوردند برخود غضبی از الله را. اینچنین که آنها همواره میکردند انکار از آیات

اللَّهُ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحُقْقِ طَلِكَ بِمَا عَصَوْا كَانُوا

الله و میکردند قتل انبیاء را بغير حق. اینچنین که عصيان کردند و همواره

يَعْتَدُونَ ﴿٤٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ أَمْنَوْا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَ

میگذشتند از حد * یقیناً کسان با ایمان و کسان یهود و نصارا و

الصَّابِئِينَ مَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ

صابئین هر که دارد ایمان به الله و یوم آخرت و عمل صالح کند برای آنهاست

أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزُنُونَ ^{٤٢}

* اجر آنها نزد رب آنها و نه خوف است بر آنها و نه آنها میکنند حزن

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الظُّورَ خُذْ وَامَّا اتَّبَعْنَاكُمْ

و چون اخذ کردیم میثاق شمارا و بلند کردیم بر فوق شما طور را. "اخذ کنید آنچه دهیم بشما

يُقْوَةٌ وَإِذْ كُرُوا مَا فِيهِ لَعْلَكُمْ تَتَّقَوْنَ ^{٤٣} **ثُمَّ تَوَلَّوْنَ ثُمَّ مِنْ**

بقوت و ذکر کنید آنچیست در آن برای اینکه شوید متقی" * باز برگشتید از

بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضُلُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ

بعد آن. و اگر نمیبود فضل الله برشما و رحمت او یقیناً میبودید از

الْخَسِيرِينَ ٦٤ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَ وَامْتَكَمْ رِفْسَبِتِ

خساره مندان * و البته علم داشتید برآنانکه تجاوز کردند از شما در سبت

فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَلِيلِينَ ٦٥ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِلْمَابِينَ

و گفتیم به آنها بگردید بوزینگان زبون * و ساختیم آنها را عبرتی برای پیش

يَدِيهَا وَمَا خَلَفَهَا وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ^{٦٦} وَإِذْ قَالَ مُوسَى

دستان آنها و مردمان بعد آنها و موعظه برای متقین * و چون گفت موسی

لِقَوْمِكَهُ إِنَّ اللَّهَ يَا مُرْكُمْ أَنْ تَذَبَّحُوا بَقَرَةً طَالُوا أَتَتْخِذُنَا

بقوم خود یقیناً الله میکند امر بشما که کنید ذبح گاوی را.^۱ گفتند آیا اخذ میکنی مارا

هُزُوًّا طَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ^{٦٧} قَالُوا دُعُّ

به هزو. گفت میبرم پناه بالله که باشم از جمله جاهلان * گفتند دعا کن

۱) چون در اول سوره گفته شد که مراد تقوا است پس در امر الله نباید سؤال، تاخیر و سرپیچی کرد. تفکر و تعمق بعد از آن باشد.

لَنَارَبَكَ يُبَيِّنُ لَنَا مَا هِيَ طَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا

برايماربت راتا کند بيان بما چيست آن. گفت که او ميگويد آنست گاوي نه

فَارِضُ وَلَا يُكْرِهُ عَوَانٌ يَبْيَنُ ذَلِكَ طَافُعَلُوا مَا تُؤْمِرُونَ ٦٨

* پير و نه بکر. عوان^۱ بین اين. بکنيد فعل آنجه ميشويد امر

قَالُوا ادْعُ لَنَارَبَكَ يُبَيِّنُ لَنَا مَا لَوْنَهَا طَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا

گفتند دعا کن برايمارب خودرا کند بيان بما چيست رنگ آن. گفت که او ميگويد آنست

۱) بکر: نورس، تازه، دست نخورده، جديده. عوان: ميان، ماين، نزديك هردو.

بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعَةٌ لَوْنُهَا تُسْرُ النَّظَرِينَ^{٦٩} قَالُوا ادْعُ لَنَا

گاوی صفراوی^١ خوش لون، سرور بخش برای ناظرین * گفتند دعاکن بما

رَبَّكَ يُبَيِّنُ لَنَا مَا هِيَ لَأَنَّ الْبَقَرَ تَشَبَّهَ عَلَيْنَا طَوْلًا إِنْ

ربت را تا کند بیان بما کدام است آن، البته گاواست متشابه برای ما. و ما ان

شَاءَ اللَّهُ لَمْهُتَدُونَ^{٧٠} قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذُولٌ

شاء الله میشویم هدایت * گفت که او میگوید آنست گاویکه نشده ذلیل

۱) صفراوی: زرد رنگ یا برنگ صفراء.

تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسْلِكَهُ لَا شِبَهَ فِيهَا قَالُوا

بقلبه زمين و نه بسقايه کشتزار. مسالم بوده، نیست داغی برآن. گفتند

الْعَزِيزُ حَمْدُهُ بِالْحَقِّ فَلَذَ بِحُوْهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ^{٧٦} وَإِذْ

الآن آوردى حق را. ذبح کردند آنرا و نزديك بود نکنند برآن فعل * و چون

قَتَلْتُمُ نَفْسًا فَإِذَا نُمْرِنُهُ فِيهَا طَوَّ اللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ

قتل کردید نفسی را باز نزاع کردید درآن. و الله است خارج کننده آنچه میکردید

نَكْتُمُونَ^{٧٢} فَقُلْنَا أَضْرِبُوهُ بِعَضِهَا طَكَّذِلَكَ يُحِيِ اللَّهُ

شما پنهان * پس گفتیم بزنید اورا به بعضی آن.^١ بدینسان دهد حیات الله

الْمُؤْنَى وَيُرِيكُمْ أَيْتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ^{٧٣} ثُمَّ قَسَّتْ قُلُوبُكُمْ

مرده را ودهد نشان بشما آیات خودرا تاشاید کنید تعقل * باز قسی شد قلبهاش شما

مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَرِيَ كَالْجَارَةِ أَوْ أَشَدُ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ

از بعد آن و شد مثل حجر يا سختر درقاوت. و یقیناً از

۱) از گوساله ذبح شده چیزی بزنید بر مقتول

الْجَارَةُ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَهْرَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْقَقُ فَيَخْرُجُ

احجار اند که میکند جریان از آن انهار. و یقیناً از آنها که میشود شق و میشود خارج

مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا

از آن آب. و یقیناً از آنها که می غلطف از خشیت^۱ الله. و نیست

اللَّهُ بِغَافِلٍ عَنِّيَا تَعْمَلُونَ ۝ أَفَتَظْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ

الله غافل از آنچه میکنید عمل * آیا دارید طمع که آرند ایمان بشما

۱) خشیت: ترس

وَقَدْ كَانَ فِرِيقٌ مِّنْهُمْ لَا يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ

والبته هست فريقه ازانها که ميشوند کلام الله را باز ميدهند تحريف آنرا

مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ^{٧٥} وَإِذَا قَوَى الَّذِينَ أَنْوَا

از بعد آنکه تعقل کردند و آنها میدانند * و چون ملاقي شوند به مؤمنان

قَالُوا أَمْنَاكُمْ وَإِذَا خَلَّا بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتَحِلُّ لَنَا مِنْهُمْ

گويند ايمنداريم و چون جدا شوند بعضی آنها با بعضی گويند آيا ميکنيد حديث باآنها

بِمَا فَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيَحْجُو كُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ كُمْ أَفَلَا

برآنچه فتح کرد ^{الله} برشما تا جdal کنند با شما توسط آن نزد رب شما. پس چرانمی

تَعْقِلُونَ^{٧٦} أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا

کنید تعقل * آیا ندارند علم که الله دارد علم برآنچه میدارند سر و آنچه

يُعْلِمُونَ^{٧٧} وَ مِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ

میکنند اعلان * و ازانهاست مردم اُمی که ندارند علم از کتاب إلا تمنیات

۱) فتح کرد: ظاهر کرد، کشود، بیان کرد. ۲) مردمان اُمی: مردمانیکه درس نخوانده اند یا مردم که دارند علم یا استعداد مادرزاد.

وَلَنْ هُمْ إِلَّا يَظْنُونَ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ

و نیستند اینها **إِلَّا** گمان کنندگان * پس وای بر کسانیکه می نویسنده کتاب را

يَا يُلِّيْهِمْ وَقْتُمْ يَقُولُونَ هُذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ

با دستهای خود باز میگویند اینست از نزد الله تا بخند باآن

ثُمَّنَا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَّهُمْ مِمَّا كَتَبْتُ أَيُّدِيْهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ

ثمن قلیل را. پس وای برآنها آنچه مكتوب میکند دستهای آنها و وای برآنها

مِمَّا يَكُسِبُونَ^{٧٩} وَقَالُوا لَنْ نَمْسَأَ النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةٍ

آنچه میکنند کسب * و میگویند نمیکنند تماس مارا آتش إلا برای ایام محدود.

قُلْ أَتَخْذُنُ تُمُّ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ

بگو آیا اتخاذ کردید نزد الله عهدی، هرگز نمیکنند خلاف الله بعهد خود،

أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ^{٨٠} بَلِّي مَنْ كَسَبَ سَيِّئَاتٍ

يا (فقط) میگوئید بر الله آنچه را ندارید علم * بلی هر که کسب کند گناهی

وَأَحَاطَتِ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ

و احاطه کند به آن خطاهای خودرا باز آنها اند اصحاب آتش آنها

فِيهَا خَلِدُونَ^{٨١} وَالَّذِينَ أَمْنَوْا وَعَمِلُوا الصَّلِحَاتِ أُولَئِكَ

همانجا خلد میکنند * و کسان با ایمان و اعمال صالح آنها اند

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ^{٨٢} وَلَذُ أَخْذُنَا بِيَثَاقَ

اصحاب جنت، آنجا آنها چون اخذ کردیم میثاق از

بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

بنی اسرائیل که نکنید عبادت **إِلَّا** الله را. و **بِالْوَالِدَيْنِ** خود احسان کنید

وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَقُولُو الْنَّاسِ حُسْنًا

و برای اقارب و **يَتِيمَان** و **مَسَاكِين** و **گَوَئِيد** بمردم احسن

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتُوِّلِ الزَّكُوَةَ ثُمَّ تَوَلَّ يَتَمُّ الْأَقْلِيلُ لَا مُنْكَرٌ

و قائم دارید صلات را و دهید زکات را. باز **بِرْكَشِتِيد** **إِلَّا** قلیل از شما

وَأَنْتُمْ مُّعَرِّضُونَ^{٨٣} وَإِذَا أَخْذُنَا مِيقَاتَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ

و بودید اعراض کندگان * و چون اخذ کردیم میثاق شمارا که نشوید سفاک خون خود

وَلَا تُخْرِجُونَ آنفُسَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَتُمُ وَأَنْتُمْ

و نکنید خارج خودها را از دیار خود آنگاه اقرار کردید و بودید

تَشَهَّدُونَ^{٨٤} ثُمَّ أَنْتُمْ هُوَ الَّذِي قَتَلُونَ آنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ

شهادت دهنده کان * باز هستید همانا که میکنید قتل همدیگر را و میکنید خارج

فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ نَهَا ظَهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْأَثْمِ وَالْعُدُوانِ

فریقه خود را از دیار آنها. میشوید ظهیر^۱ برعلیه آنها با گناه و عداوت.

وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أَسْرَى تَقْدُ وَهُمْ وَهُوَ حُرٌّ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ

و اگر بیآیند بشما اسیران، میدهید فدیه آنها را حالانکه حرام برشماست اخراج آنها.

أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَهَا جَزَاءُ

آیا دارید ایمان بر بعضی از کتاب و هستید کافر بر بعضی آن. چه باشد جزاء

۱) میشوید ظهیر برعلیه آنها: پشتی بانی میکنید همدیگر را برعلیه آنها.

مَنْ يَفْعُلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْنٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ

آنکه کند فعل چنین، از شما، إلا رسائی در حیات دنیا. و یوم

الْقِيمَةِ يُرَدُونَ إِلَى اللَّهِ الْعَذَابُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ^{٦٠}

قيامت ميشوند رد به اشد عذاب. و نیست الله غافل از آنچه میکنید *

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخْفَى

آنها اند کسانیکه خریده اند بجای آخرت پس نیابد تخفیف

عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُصْرُونَ^{٨٦} وَلَقَدْ أَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَبَ

از آنها عذاب و نه آنها یابند نصرت * و البته دادیم به موسی کتاب را

وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْتَ

و در قفايش از بعد او رسول و دادیم بعیسی پسر مریم بینات را

وَأَبَدَنْدِنَهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ طَافَ كُلَّمَا جَاءَ كَمْ رَسُولٌ فَمَا لَأَهْوَى

و دستیاری کردیم اورا با روح القدس. هرگاه باید بشما رسولی که نباشد بهوای

أَنفُسُكُمْ أَسْتَكِبْرُ تُمُّهُ فَقَرِيقًا كَذَّبْتُمُ وَفَرِيقًا قُتْلُونَ^{٨٧} وَ

نفسهای شما تکبر میکنید. و فرقه را تکذیب میکنید و فرقه را میکنید قتل * و

قَالُوا قُلُوبُنَا غُلُوْطٌ بَلْ لَعْنَاهُمُ اللَّهُ يُكَفِّرُهُمْ فَقَلِيلًا مَا يُؤْمِنُونَ^{٨٨}

گویند قلبهای ماست غلاف.^۱ نه! لعنت کرد برآنها الله بکفر آنها و قلیل میآورند ایمان *

وَلَهَا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَلَا

و هر گاه باید به آنها كتابی از نزد الله مصدق آنچه نزد آنهاست، و

۱) قلبهای ما مانند کتاب غلاف شده تکمیل است یا قلبهای ما پوشیده است از این پیغام.

كَانُوا مِنْ قَبْلِ يَسْتَغْتَلُونَ عَلَى الدِّينِ كَفَرُوا وَاجْهَلَّهُمْ

همواره از قبل میخواستند فتح بر کسان کافر، پس چون آمد برایشان

كَاعْرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكُفَّارِينَ^(٨٩) بِئْسَمَا أَشْرَرُوا بِهِ

آنچه معروف بود منکر شدند برآن. پس لعنت الله است بر کافران * بد است آنچه فروختند باان

أَنْفُسَهُمُ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِغَيْرِهِ أَنْ يُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ

نفسهای خودرا که کردند کفر برآنچه نازل کرد الله، از بغاوت که کرد نازل الله از

فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ

فضل خود بر هر که خواست از عبادش. آوردند بر خود غضبی بر غضبی.

وَلِلّكُفَّارِ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَمْنُوا بِمَا أُنْزِلَ

و برای کافران است عذاب ذلتبار * و چون گوید به آنها ایمان آرید با آنچه نازل کرد

اللّهُ قَالَ وَأَنُؤْمِنُ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَيَكُفُّرُونَ بِمَا وَرَأَءَهُ وَهُوَ

الله، گویند ایمان داریم بر آنچه شدن نازل برمما و میکنند کفر بر آنچه و راء آنست. و آنست

الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ فَلَمْ تَقْتُلُونَ أَنْبِياءَ اللَّهِ مِنْ

حق، مصدق آنچه نزد آنهاست. بگو پس چرا کردید قتل انبیاء الله را از

فَبِلِّ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ

قبل اگر هستید مؤمنین * و البته آمد بشما موسی با بیانات باز

اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَلَمُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذْنَا

اتخاذ کردید گوساله را از بعد او و شمایید مردمان ظالم * و وقتی گرفتیم

مِيْثَاقُكُمْ وَرَفَعَنَا فَوْقَكُمْ الظُّورَ خُذْ وَا مَا أَتَيْنَكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمَعْنَا

میثاق شمارا و بلند کردیم فوق شما طور را، "اخذ کنید آنچه میدهیم شمارا بقوت و بشنوید".

قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَتَشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ

گفتند میشنویم و عصيان میکنیم. و شرب کردند در قلبها خود گوساله را از کفر خود.

قُلْ يَسْمَا يَا أُمَرْكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^{٩٣} قُلْ إِنْ

بگو بد است آنچه میکند امر برآن ایمان شما اگر هستید * مؤمنین بگو اگر

كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ

هست برای شما دار آخرت نزد الله خالصتاً بجای دیگر مردم

فَتَمَسَّوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَدِيقِينَ^{٩٤} وَلَكُمْ يَتَمَسَّوْهُ أَبْدًا لَا يَمْقُدُّهُ

بکنید تمنا موت اگر هستید مردم صادق * و نکند تمنا آنرا ابداً بسبب اقدام

أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ^{٩٥} وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحَرَضَ النَّاسِ

دستهای آنها. و الله است علیم بر مردم ظالم * و میابی آنها را حریصترین مردم

عَلَى حَيَاةٍ ثُمَّ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا إِلَهً يُوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْيُعْتَرُ أَلْفَ

بر حیات، و از کسان مشرک، دوست دارد احد آنها که کنند عمر هزار

سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْجِحٍ هُنَّ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَذَّرُ وَاللَّهُ بِصَبْرٍ

سال. و نیست آن رها کننده او از عذاب اگرچنان کنند عمر. و الله است بصیر

بِمَا يَعْمَلُونَ ٤٩٦ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجَبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَذَّلَهُ عَلَى

برآنچه میکنند عمل * بگو هر که باشد دشمن جبریل، چون اوست که نازل کرد آنرا بر

فَلِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَشُرًى

قلب تو به اذن الله، مصدق برآنچه پیش از آن بود، و هدایت و بشارت

لِلْمُؤْمِنِينَ^{٩٧} مَنْ كَانَ عَلَىٰ وَاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجَبْرِيلَ

برای مردم مؤمن * هر که را باشد عداوت بالله و ملائک او و رسول او و جبریل

وَمِيكَلَ فَإِنَّ اللَّهَ عَذُولٌ لِلْكُفَّارِينَ^{٩٨} وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ

و میکائیل باز یقیناً الله باشد دشمن برای کافران * و البته نازل کردیم بر تو آیات

بَيْنَتِّ وَمَا يَكُفُّ بِهَا إِلَّا الْفَسِّقُونَ^{٩٩} أَوْ كُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا

روشن را و نکرد کفر برآن ^{*} إلا مردمان فاسق هرگاه عهد می بندند بر عهدی،

نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثُرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ^{١٠٠} وَلَهُمْ جَاءَهُمْ

میاندازد آنرا فریقه از آنها ^{*} ندارند ایمان و هرگاه آمد به آنها

رَسُولٌ مِّنْ مَّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنْ

رسولی از جانب الله مصدق آنچه بود نزد آنها، انداخت فریقه از

الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَبَ لَا كِتَبَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانُهُمْ

آنانکه داده شده بودند کتاب، کتاب الله را وراء پشت خود مثیلکه به آنها

لَا يَعْلَمُونَ^{١٠١} وَ اتَّبَعُوا مَا تَتَلَوَّ الشَّيْطَانُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ

نباشد معلوم * و متابعت میکنند آنچه کردند تلاوت شیاطین بر ملک سلیمان.

وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانٌ وَ لَكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرَ وَ اعْلَمُونَ النَّاسَ

و نکرد کفر سلیمان و لakan کفر کردند و دادند تعلیم مردم را

السِّحْرُ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمُلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ

سحر. و آنچه شد نازل بربابل دو ملک هاروت و ماروت.

وَمَا يَعْلَمُونَ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرُ

و نمیدادند تعلیم برای احدي حتی میگفتند یقیناً ما هستیم فتنه پس نکنید کفر.^۱

فَيَتَعْلَمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بَهْ بَيْنَ الْمَرْءَ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ

میگرفتند تعلیم از آنها آنچه میآورد تفرقه باان بین مرد و زوجش. و نه آنها

۱) کسان با حکمت بمردم رشتہ را تعلیم میدهند که از آن استفاده احسن و استفاده سو شده میتواند مثلاً نیروی ذروی

بِضَّارِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ

میکردند ضرر باان بر احادی باذن الله. و میگرفتند تعلیم آنچه میکرد ضرر به آنها

وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لِمَنِ اشْتَرَاهُ مَالَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ

ونمیکرد نفع به آنها. والبته علم داشتند هر که بخرد آنرا نمیرسد برایش در آخرت هیچ

خَلَاقٌ طَوْلَبِسُ مَا شَرَّوْا بِهِ أَنْفُسُهُمْ طَلَوْكَانُوا يَعْلَمُونَ ⑩

* بهره. وبسیار بد بود آنچه فروختند برآن نفشهای خودرا. ای کاش میداشتند علم

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَمْنُوا وَاتَّقُوا الْمَتْوْبَةَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّهُمْ كَانُوا

و اگر میآوردنند ایمان و تقوا میکردند میبود ثواب از جانب الله باخیر. ای کاش

^٤ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا إِنَّا عَنَّا وَقُولُوا انْظُرُنَا
^{١٠٣}

میداشتند علم * یا ای کسان با ایمان نه گوئید "راعنا" ^۱ و بگوئید نظر کن بر ما

وَاسْمَعُوا طَوْلَكَفَرِينَ عَذَابُ الْكِبِيرِ ^{١٠٤} فَمَا يَوْدُدُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ

و بشنوید. و برای کافران باشد عذاب الیم * ندارند دوست، کسان کافر از

۱) "راعنا" اگر غلط تلفظ شود معنی دیگر میدهد مثل "شبان ما" وغیره.

أَهْلُ الْكِتَبِ وَلَا الْمُشْرِكُونَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ خَيْرٍ مِّنْ

اهل کتاب و نه مشرکین، که نازل شود برشما کدام خیری از

رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَنْ يَشَاءُ طَوْبًا ذُو الْفَضْلِ

رب شما. و الله کند مختص برحمت خود هر کرا خواهد. و الله است دارای فضل

الْعَظِيمِ^{١٠٥} مَا نَسِخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُسِّهَا نَاتِ مُخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ

عظمیم * آنچه کنیم نسخ از آیتی یا بریم بنسیانش، میاریم بهتر ازان یا

مِثْلَهَاٖ أَكَمْ تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{١٦٦} أَكَمْ تَعْلَمُ أَنَّ

مثل آن. آیا نداری علم که الله است بر کل شیء قادر * آیا نداری علم که

اللَّهُ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ

الله راست ملک سماوات و زمین. وندارید شما بدون الله

مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٌ^{١٦٧} أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ

کدام ولی و نه نصیری * آیا اراده دارید که کنید سؤال از رسول خود

كَمَا سِلَّ مُوْلَىٰ مِنْ قَبْلٍ وَمَنْ يَتَبَدَّلُ الْكُفُرَ بِالْإِيمَانِ

طوريكه سؤال شد از موسى در قبل. و هر که کند بدل بکفر ايمان را

فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءً السَّبِيلٌ^{١٠٨} وَذَكَرَشِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْيَرْدُونْكُمْ

البته گم کرد سواه^۱ سبيل را * میخواهد کثير از اهل کتاب که رد کند شمارا

مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِنْ

از بعد ايمان شما بکفر، حسادت از منشأ نفسهاي آنهاست از

۱) سواه: بهترین، عادلترین، مؤفتترین

بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحُقْقُج فَاعْفُوا وَاصْفُحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ

بعد آنکه شد بَيْنٌ^۱ برای آنها حق. پس عفو کنید و گذشت کنید حتی بیارد الله

بِإِمْرَهٖ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^{١٩} وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ

امر خود را. یقیناً الله است بر کل شیء قادر * و قائم کنید صلاة را و

اتُّوِّالْزَكُوَّةَ وَمَا تُقْدِرُ مُوَا لِإِنْفِسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُ وَهُنَّ

بدهید زکوه را. و هر آنچه اقدام میکنید برای نفشهای خود از خیر می یابید آنرا نزد

۱) بَيْنٌ: آشکار

اللَّهُ أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^{١٠} وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ

الله. يقيناً الله برآنچه میکنید عمل بصیر است * و میگویند نمیشود داخل جنت

إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى طِلْكَ آمَانَهُمْ قُلْ هَاتُوا بِرُهَانَكُمْ

إلا آنکه باشد یهودی يا نصاری. اینست تمنیات آنها. بگو بیارید برهان خودرا

إِنْ كُنْتُمْ صَدِقِينَ^{١١} بَلِّي مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ

اگر هستید مردم صادق * بلی هر که تسليم کند وجه خودرا به الله و او باشد

مُحْسِنٌ فَلَهَا أَجْرٌ هُنَّ عَنْدَ رَبِّهِ وَلَا خُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

محسن برای اوست اجر او نزد رب او و نه خوف باشد بر آنها و نه آنها

يَحْزَنُونَ ۝ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصْرَى عَلَى شَيْءٍ وَ

کند حزن * و میگوید یهود نیست نصارا بر شیء و

قَالَتِ النَّصْرَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتَلَوَّنُونَ

میگوید نصارا نیست یهود بر شیء و آنها میکند تلاوت

الْكِتَبُ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ

کتاب را. همچنین گفت کسانیکه ندارند علم مثل قول آنها. پس الله

يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ^{١٣} وَ

میکند حکم بین آنها یوم قیامت آنچه همواره درآن میکردند اختلاف * و

مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ

کیست ظالمتر از آنکه منع میکند از مساجد الله، که ذکر میشود درآن اسم او،

وَسَعَىٰ فِيٰ خَرَابِهَا طَوْلِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَلْعُلُوهَا

وسعی میکند در خرابی آن. آنها اند که نیست جایز برایشان که شوند داخل آن

إِلَّا خَلَّفِينَ هُنَّا لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خُزْنَىٰ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ

الا خائفین. برایشان در دنیاست رسوائی و برایشان در آخرت عذاب

عَظِيمٌ^{١١٤} وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَإِنَّمَا تُولَوْا فَشَمَّ وَجْهَهُ

عظمیم * وازالله است مشرق و مغرب. بهرسو روکنید باز آنجاست وجه

اللَّهُ أَنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^{١٥} وَقَالُوا اتَخَذَ اللَّهُ وَلَدًا لَا سُبْحَانَهُ

الله. يقيناً الله است واسع عليم * وگویند "اتخاذ کرد الله ولدی" سبحان بذات او!

بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّهُ لَهُ قَاتِلُونَ^{١٦} بَدِيعُ

بلکه ازاوست آنچه در سماوات و زمین. کل اورا فرمان بردارند * بدیع^۱

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ

سماوات و زمین است. وقتی فیصله کند برامری همانا میگوید باو شو!

۱) بدیع: از نو خلق کننده. آفریننده آنچه قبلًا هیچ وجود نداشت. بوجود آورنده خلقت جدید. آغاز دهنده.

فَيَكُونُ^{١١٧} وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يَكْلِمُنَا اللَّهُ أَوْ نَاتِنَا

وميشود * و گفت کسان بی علم چرا نمیکند تکلم با ما الله يا نمی آید بما

إِلَهٌ طَكَنَ لِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ

آیتی. بدینسان گفت کسان از قبل اینها مثل قول اینها. مشابه است

فُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَاهُ الْأَيَّاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ^{١١٨} إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ

قلوب آنها. بس بیان کردیم آیات را بقومیکه دارند یقین * ما کردیم ارسالت برحق

بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا شَعْلَ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ^{١١٩} وَلَكُ

بشير و نذير و نيسى مسئول اصحاب جحيم * و نشود

تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَبَعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ

راضى از تو یهود و نه نصارا حتى تابع شوی ملت آنها را. بگو

إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَكِنَّ اتَّبَعُتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ

یقیناً هدایت الله، آنست هدایت. و اگر متابعت کردی هوای آنها بعد

الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ^{١٣٦}

آنکه آمد برایت از علم، نباشد برایت از الله کدام ولی و نه نصیری.*

اَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُمُ الْكُتُبَ يَتَلَوُنَهُ حَقَ تِلَاوَتِهِ اُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ

آنانکه دادیم به آنها کتاب را، میکنند تلاوت آنرا بحق تلاوت آن. آنها اند که دارند ایمان

يَرِبِّهِ وَمَنْ يَكُفِّرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَسِرُونَ^{١٣٧} يَدْعُنَ اِسْرَائِيلَ

برآن. و هر که کند کفر برآن پس آنها هستند خساره مندان * یا بنی اسرائیل

اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِيَّ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَلَّتُكُمْ عَلَى

متذکر شوید نعمت مرا که انعام کردم برشما و من فضیلت دادم شمارا بر

الْعَالَمِينَ^(٢٣) وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجِزُّونِ نَفْسٌ عَنِ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ

عالیمان * و تقوا کنید از روزیکه نرسد نفسی را از نفسی هیچ شیء و نشود قبول

مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفاعةٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ^(٢٤) وَإِذَا بَتَّلَ آ

ازوی عوضی و نکند منفعت به او شفاعتی و نه به آنها شود نصرت * وقتی آزمود

إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَتٍ فَأَتَمَهُنَّ طَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا

ابراهیم را رب او با کلماتی، اتمام کرد آنرا. گفت من میسازم ترا برای مردم امامی.

قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي طَالَ لَا يَنْالُ عَهْدِي الظَّلِيمِينَ ١٤٤

گفت و از فرزندانم؟ گفت نشود نایل عهدم بمردمان ظالم * وقتی

جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَآمَنَّا طَوَّافَتِيْنَ وَامْنَدْنَاهُ وَامْنَأْنَاهُ مَقَامَهُ

ساختمیم بیت را مثابه^۱ برای مردم و جای امن. "که اتخاذ کنید بر مقام

۱) مثابه: مرجع، پناه گاه، موعدگاه، جای ملاقات.

إِبْرَاهِيمَ مُصَلَّىٰ وَعَهْدُنَا إِلَيْ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا

ابراهیم مصلی^۱ و عهد بستیم با ابراهیم و اسماعیل که مطهر سازید

بَيْتِي لِلطَّلَافِينَ وَالْعَكِيفِينَ وَالرُّكُوعَ السُّجُودِ^۲ وَلَذُقَالَ

بیتم را برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع و سجده کنندگان * و چون گفت

إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَكَدًا أَمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ

ابراهیم رب من بساز این بلد را جای امن و رزق ده اهل آنرا از ثمرات

مَنْ أَمَنَّ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتَنِعَهُ

هر که ایمان دارد از آنها به الله و يوم آخر. گفت و هر که کافر شد دهیم امتع او را

قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرْهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ^{۱۲۳} وَ

قلیلاً باز میکنیم مضطر او را^۱ بعذاب آتش. و بس بد مصیر است * و

إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمَ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ طَرَبَانَ تَقْبِيلُ

وقتی بلند کرد ابراهیم قواعد^۲ از بیت را و اسماعیل. "رب ما بکن قبول

۱) مضطر: ناچار، بیچاره، پریشان ۲) قواعد: بنیاد، تهداب.

مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^{١٢٧} رَبُّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ

ازما. يقيناً تؤى شنواي عليم * رب ما و بساز ما را مسلمين بخود

وَمَنْ ذُرَّيْنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ صَوَّارِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبُّ

و از فرزندان ما امت مسلمه بخود و بنما مارا مناسک^١ مارا و تواب شو

عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ^{١٢٨} رَبُّنَا وَابْعَثْ فِيهِمُ

برما. يقيناً تؤى تواب رحيم * رب ما و بعث کن بين آنها

(١) مناسک: آداب، رسوم و پیشآمد مذهبی.

رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتَلَوُّ أَعْلَيْهِمْ أَيْتَكَ وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَبَ وَالْحِكْمَةَ

رسولی از جمله آنها کند تلاوت برآنها آیات ترا و دهد تعلیم به آنها کتاب و حکمت را

وَإِنَّكَ لِيَهُمْ بِطَّافِلٌ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^{١٢٩} وَمَنْ يُرَغِّبُ عَنْ فِلَلَةٍ

و کند پاک آنهارا. بیشک توئی العزیز الحکیم" * و کیست بی رغبت^۱ از ملت

إِبْرَاهِيمَ الْأَمَنَ سَفِيهَ نَفْسَكَ وَلَقَدِ اصْطَفَيْتَهُ فِي الدُّنْيَا

ابراهیم إلا آنکه سفیه^۲ باشد بنفس خود. و البته برگزیدیم او را در دنیا.

۱) "رغبت" : رغبت، میل، کشش، آرزو، تمی "رغب عن" معکوس آن است.

وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ^(١٤٣) إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ كَمْ أَسْلَمْتُ لَهُ

و اوست در آخرت از جمله صالحین * وقتی گفت به او رب او تسلیم شو

قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ^(١٤٤) وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنْيَهُ

گفت تسلیم هستم برب عالمیان * و وصیت کرد برآن ابراهیم پسران خودرا

وَيَعْقُوبُ وَطَيْبَنِي إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَنِي لَكُمُ الَّذِينَ فَلَا تَكُونُونَ

و یعقوب . یا پسرانم یقیناً الله برگزیده دین را پس نمیرید

إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٣﴾ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ

الموتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُكُمْ
الموتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُكُمْ

موت که گفت بپسران خود: که را میکنید عبادت از بعدم؟ گفتند میکنیم عبادت

إِلَهَكَ وَإِلَهَ أَبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا
الله ترا و الله آباء ترا، ابراهیم و اسماعیل و اسحق را، الله

وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ^{١٣٣} تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَقْنَا لَهَا مَا

واحد را. و مائيم به او تسليم * اين بود امتیکه گذشت. به آنها آنچه

كَسَبْتُ وَلَكُمْ هَا كَسْبُكُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَنْهَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^{١٣٤} وَ

كسب کردن و بشما آنچه کسب میکنید. و نیستید مسؤول آنچه همواره میکردن عمل * و

قَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا طَقْلًا بَلْ مِلَةُ إِبْرَاهِيمَ

میگويند شويد یهود يا نصارا تا شويid هدايت. بگو نه! ملت ابراهيم

حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ^{١٣٥} قُولُوا امْتَأْبِلُ اللَّهِ وَمَا

حنيف باید. و نبود از مشرکین * بگوئید ایمان داریم به الله و آنچه

أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَمَا أَنْزَلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ

شد نازل برما و آنچه شد نازل برای ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب

وَالْأَسْبَاطَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ

و اسباط^۱ و آنچه داده شد به موسی و عیسی و آنچه داده شد به انبیاء از

(۱) اسباط: اولاده یعقوب (ع)

رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَمَنْ حُنِّلَ لَهُ مُسْلِمُونَ ^(١٦)

* رب آنها. نميكنيم فرق بين أحد آنها. وما هستيم به او تسليم

فَإِنْ أَنْتُمْ أَنْوَاعٍ مِّثْلٍ كَمَا مَنَّا تُنْهِمُ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَ وَإِنْ تُولُوا فَإِنَّمَا

اگر ايمان آوردند مثل آنکه ايمان آوردید برآن، بس هدايت شده اند. و اگر برگشتند باز يقيناً

هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكُفِّرُهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ^(١٧)

* هستند در شناق. ميكتند کفايت بشما الله. و اوست السميع العليم.

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عِبْدُونَ^{١٦٣}

* صبغت^١ الله! وَ كَه دارد احسن از الله صبغتی. و مائیم اورا عابدان *

فَلْ آتِنَا حِجَوْنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا آعْمَالُنَا وَ

بگو آیا مجادله میکنید با ما راجع به الله و اوست رب ما و رب شما. و برای ماست اعمال ما و

لَكُمْ آعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ^{١٦٤} لَا مُرْتَقِلُونَ

بشماست اعمال شما. و ما هستیم به او * آیا میگوئید مخلسان

١) صبغت (صبغه): رنگ، نشانه، علامه، مذهب، طریقه.

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطَ

يَقِينًاً ابْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطَ

كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ إِنَّمَا أَعْلَمُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ مَنْ

بُودَنْدَ يَهُودَ يَا نَصَارَى بَغْوَ آيَا شَمَا عَلَمَ دَارِيدَ يَا اللَّهُ وَ كَيْسَتَ

أَظْلَمُ مِنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ

ظَالِمٌ از آنکه پنهان کند شهادتی را که نزد اوست از الله. و نیست الله غافل